

آموزش و پرورش و رسالت تربیت شهروندی

آموزش و پرورش در جوامع امروزی به عنوان کلیدی ترین نهاد آموزشی در جهت توسعه همه جانبه بشمار می رود چرا که در پرتو آموزش است که انسانها متحول می شوند. برپایه نظام آموزشی و تربیتی یک جامعه است که نظم و انضباط اجتماعی حالت نهادی به خود می گیرد و عامه مردم به طرف فرهنگ ترقی و توسعه حرکت می کنند

انسان باید ارزش پیدا کند و تربیت او مبنای توسعه قرار گیرد چون هدف از آموزش و سرمایه گذاری آموزشی کشف و توسعه ی منابع انسانی در جهت تعالی بخشی ارزشها و استعدادها و بهینه کردن آن است چون محور اصلاحات اقتصادی، فرهنگی، سیلسی، اجتماعی در کلیه ممالک توسعه یافته، انسان بوده می باشد... آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه است و کلیدی ترین عنصر در توسعه یک جامعه مردم آن جامعه هستند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارتهای گوناگون برخوردار باشند

توشیرو دوکو یکی از معماران توسعه ژاپن، امروزه درباره نقش سازنده و بارورکننده و رشد دهنده انسان و آموزش و پرورش در فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی چنین بیان می کند: ما نه هیچ منبع طبیعی داریم و نه هیچ قدرت نظامی، ما فقط یک منبع در اختیار داریم، **ظرفیت ابداع مغزهایمان**. این منبع پایان ناپذیر است. باید آن را ترکیب کرده، تمرین داده، مجهز ساخت. این قدرت دفاعی خواه ناخواه، در یک آینده نزدیک گرانبهاترین ثروت مشترک همه بشریت خواهد بود... در کشور ژاپن تربیت انسانها، بهترین مساله است و کسانی که در نظام آموزشی کار می کنند افراد بسیار محترم و با پرستیژ اجتماعی والایی هستند همین آموزش دهندگان هستند که در واقع، توسعه و زمینه های آن را (از طریق تربیت شهروندانی آگاه و مسئول) فراهم می آورند و ارزشمندترین سرمایه های انسانهای با فرهنگ، آموزش دیده و با شخصیت آن جامعه (شهروندان مدنی) هستند.

بنابراین زمانی آموزش و پرورش در رسیدن به اهداف و آرمانهایش موفق خواهد بود که بتواند شهروندانی آگاه، مسئول و خلاق پیورود و این امر میسر نیست مگر از طریق آموزش بهینه شهروندی و نیز ارتقاء فرهنگ شهروندی.

● آموزش شهروندی چیست؟

منظور از آموزش شهروندی عبارت است از فرایند انتقال دانشها، ارزشها و نگرشهای لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر: آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت نسبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزشهای بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تسامح و تساهل)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارتهای لازم برای فهم سیاستهای عمومی و نظارت بر آنها می شود

بدین ترتیب، هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه ای، انتقال مجموعه ای از دانشها، ارزشها و جهت گیریهای رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. لذا آموزش شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرایندهای آموزشی تحقق می یابد (همان، ص ۳۱۷) در جوامع اقتدار طلب و خودکامه تعلیم و تربیت شهروندی به شدت در پی القای عقیده حاکم است و حق انتخاب چندان برای فرد در جهت ابراز مخالفت وجود ندارد در حالی که در جوامع مردم سالار، هدف از تعلیم و تربیت شهروندی، پرورش افرادی است، مسئول، خودآگاه، کارآمد و بالتبع در خدمت اهداف و آرمانهای جامعه

● شهروند کیست؟ و شهروندی یعنی چه؟

شهروند کسی است که با ممنوع خود زندگی می کند و از طریق دولت حمایت می شود از حقوق اجتماعی برخوردار است و وظیفه اجتماعی

انجام می دهد. شهروندی راههای زندگی کردن شهروندان با یکدیگر است شهروندی توانایی افراد را برای قضاوت در مورد زندگی خودشان تصدیق می کند. بنابراین شهروندی افراد از پیش بوسیله نژاد، مذهب، طبقه، جنسیت یا هویتشان تعیین نمی شود

بنابراین شهروندی در نحوه ی ارتباط فرد با فرد و با جامعه معنا و مفهوم حقیقی خود را در می یابد در این راستا به اعتقاد تی، اچ، مارشال: اولاً شهروندی وضعیتی است که ناشی از عضویت کامل فرد در اجتماع است. ثانیاً کسانی که حائز این وضعیت هستند حقوق و تکالیف یکسان و برابری دارند.

باید دانست که شهروندی با احساس مسئولیت همراه است. و حس شهروندی در عمیق ترین معنای خود دارای دو جنبه ی مهم است

الف) جنبه مهمی از مسئولیت شهروندی، داشتن شرافت کاری است که بدون آن مدنیت پیشرفته ای حاصل نمی شود

ب) مسئولیت مدنی در جایی امکان بروز می یابد که جامعه ی مدنی به معنای واقعی مستقر شده باشد اما جامعه مدنی نمی تواند بدون تلاش شهروندان برخوردار از حس مسئولیت قوی برپا می گردد (نیکفر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۳).

● آموزش و پرورش و شهروندی

شهروندی همانگونه که بیان شد یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه ی افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزشهای متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند البته این امر زمانی جامه عمل می پوشد که فضای آموزشی جامعه، فضایی دموکراتیک بخود گیرد و این ممکن نیست مگر به شرط استقرار نظام سیاسی مردم سالار (که در آن افراد خود را در مقابل جامعه مسئول و برای عمل به وظایف شهروندی) و در نتیجه برخورداری از حقوق مترتب بر آن آزاد می بینند در این فضای دموکراتیک، دانش آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست و عینی از جهان، آموزش می بینند در تمام تصمیم گیریهای مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند افرادی که نه تنها ارزشها و ویژگیهای مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثرتری را به نمایش گذارند

در سایه ی چنین برداشتی است که از نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت... مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه های مختلف آن است. به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیتهای شهروندی است. از این رو آنچه که می تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل گیری و توسعه ی مدارس را در دوران کنونی توجیه کند، تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان <مدرسه ی زندگی> است. در راستای احراز ویژگیهای شهروندی، مدرسه باید مکانی برای تدارک فرصتهای لازم و مناسب برای تجربه و تمرین در عرصه های مختلف زندگی باشد تا از این رهگذار، زمینه های لازم برای برطرف کردن نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان فراهم آید. بنابراین مدرس باید خود زندگی و نمونه و الگویی کوچک از جامعه باشد و در آن دانش آموزان در عرصه های مختلف نظیر حرفه، دین، سیاست، فرهنگ، علم و فناوری، خانواده، بهداشت محیط زیست، ارتباطات، و مانند آن به یادگیری بپردازند. این چگونگی مستلزم پرداختن هرچه بیشتر به تربیت شهروندی و مهارتهای زندگی در سطح مدارس است.

● نظام آموزشی مردم سالار لازمه ی تربیت شهروندی

به عقیده ی بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتواند برای رشد و شکوفایی جامعه ی

مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کند... نظام آموزشی مردم سالار، درصدد تربیت نسلی است که بتواند در دنیای پیچیده کنونی، هم بر سرمایه‌های دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش‌پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چند جانبه و جمعی به بار می‌آورد، کوشش نماید در چنین جامعه‌ای از ما می‌خواهند که همه با هم برای درک دنیای یکدیگر تلاش کنیم و چشم‌انداز مشترکی بسازیم که ما را قادر می‌سازد از یکدیگر بیاموزیم و درحالی‌که واقعیت کثرت‌گرایی را حفظ می‌کنیم بر خود حکومت کنیم و تربیت در جامعه‌ی اسلامی بر توسعه‌ی فرایند آموزش مردم سالاری دینی تکیه دارد؛ فرایند پویایی که هم می‌تواند به حالت انسجام و وابستگی درونی فرد عقل او و کارکردهای اجتماعی او بیندیشد و هم می‌تواند او را به ارزشهای اخلاقی و اصول اعتقادی که در جهت تکریم مقام و منزلت انسانی قرار دارد، پایبند نماید.

اگر واقفیم که آموزش و پرورش به عنوان رکن تولید آگاهی مدنی دانش‌آموزان به عنوان عوامل اصلی باز تولید این آگاهی و شناخت، در واقع همان پشتوانه‌های راهبردی رشد فرهنگ شهروندی و توسعه‌ی سیاسی کشور به شمار می‌رود در این خصوص انتظاراتی از آموزش و پرورش کارآمد و منطبق با نیازهای امروزی هست که عبارتند از:

(۱) آموزش مفید، اثربخش و کاربردی.

(۲) تربیت نسل جوان و نوجوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه

(۳) تسهیل در فرایند جامعه‌پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم

(۴) هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه‌ی مطلوب

(۵) تربیت انسانهای قانونمند، مشارکت‌پذیر، منظم، مسئول و پرتلاش از طریق نهادینه‌سازی قانون و پرهیز از زور و خشونت و سلطه‌گری و جلوگیری از تنش و تن دادن به آن.

(۶) جا انداختن فرهنگ تحزب‌گرایی و تمرین مشارکت در اداره‌ی امور مدرسه و جامعه

(۷) تقویت ایمان، روحیه‌ی شجاعت، اعتماد به نفس، شکیبایی در برابر مصائب و رنجها، عدالت‌جویی، وجدان‌کاری و انضباط اجتماعی، مشورت، تعاون و ایثار.

● ضرورت تربیت شهروندی در عصر جهانی شدن

امروزه با توجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام‌ارزشی و مهارت‌های شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم، آماده کند چرا که جهانی شدن نه فقط براقصد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگها و نظامهای آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می‌گذارد به همین دلیل، برنامه‌ریزی ثمربخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی‌تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت‌ها صورت گیرد. فرایند جهانی شدن خصوصیات ویژه‌ای را برای شهروند قرن ۲۱ می‌طلبد که می‌توان آنها را در سه قالب کلی و بدین صورت برشمرد:

(۱) دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن

این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده، اثرات متقابل و چندجانبه ای دارند فناوری اطلاعات: باعث نزدیکی سریع و آسان افراد و ملت ها شده است. این امر موجب شده است اگر تا دیروز مردم یک کشور به صورت محلی اندیشیده اند و به نحوه ی عمل دمکراتیک در درون خود می اندیشیده اند، امروزه به اقدام دمکراتیک در سطح جهانی، بین ملتها بیندیشند فناوری اطلاعات باعث شده است تا جهان در عرصه ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به یکدیگر وابسته گردد و این وابستگی، لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است. در نهایت می توان گفت در قالب جهانی باید بصورت دمکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه ی عمل دمکراتیک، فناوری اطلاعات است. چرا که باتوجه به فرایند جهانی شدن آینده تربیت به طور جدی متأثر از فناوریهای اطلاعاتی خواهد بود

● ویژگیها و صلاحیتهای مطلوب شهروندی برای جامعه ی ایران

واضح است که نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزشهای حاکم بر جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام گیرد. در این راستا زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش آموز در آن به سر می برد، داشته باشد. از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می شود و مقدمه ی آموزش شهروندی جهانی را فراهم می آورد. باتوجه به مباحث مطرح شده، یک شهروند مطلوب برای جامعه ی ایران در سه حیطه با قلمروهای خاص و دارای صلاحیتهای معینی می باشد که عبارتند از:

۱) شناخت مدنی. و آن عبارت است از مجموعه ای از آگاهیها، اطلاعات و درک و فهم مدنی که مؤلفه های آن عبارتند از آگاهی از نحوه ی بدست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه ی عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاههای احزاب عمده ی کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین المللی

۲) <توانایی مدنی> که عبارت است از مجموعه ای از مهارتها، قابلیتها و توانمندیهایی که هر فرد برای زیست در جامعه ای که در آن زندگی می کند، به آنها نیاز دارد و مؤلفه های آن عبارتند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکاء به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیم منطقی و توانایی رفتار براساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب

۳) <نگرش مدنی> که عبارت است از مجموعه ای از طرز تلقی ها، باورها و دیدگاههایی که برای یک شهروند خوب ضروری است و مؤلفه های آن عبارتند از: پذیرش تنوع و تکرر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه ی مسئولیت پذیری، دارا بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه ی بردباری و تحمل، داشتن روحیه ی انتقادپذیری، دارا بودن روحیه ی قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی و ملی.

با عطف به این ویژگیهاست که رسالت سترگ و خطیر آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن معنا و مفهوم خود را درمی یابد بنابراین ضروری است تا ضمن توجه به سیاستهای کلی نظام آموزشی، مرحله ی درک و فهم عمیق و دستیابی به شعور تربیت شهروندی و تدارک مدرسه ی زندگی را وجهه ی همت قرار داده، بسترهای لازم را برای توجه هرچه بیشتر به این رسالت سنگین (تربیت شهروند مدنی) نظام آموزشی فراهم نمائیم.

- ۱) سروش، عبدالکریم، (۱۳۷۴)، روش تفسیر در علوم اجتماعی، تهران؛ مؤسسه فرهنگی صراط
- ۲) مشارع پور، محمود، (۱۳۸۳)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران؛ انتشارات سمت
- ۳) نیکفر، محمدرضا، (۱۳۷۸)، خشونت، حقوق بشر، جامعه ی مدنی، تهران؛ انتشارات طرح نو
- ۴) فتحی واجارگاه، کوروش، (۱۳۸۵)، لحاظ کردن ارزشهای شهروندی در برنامه ی درسی، مجله نوآوریهای آموزشی، شماره های ۱۷
- ۵) علی ضیایی، مرتضی، (۱۳۸۱)، مشارکت و شناخت در تصمیم گیریها (چکیده مقاله های همایش ملی مهندسی اصلاحات در آموزش و پرورش)، تهران؛ انتشارات پژوهشکده ی تعلیم و تربیت.
- ۶) گلپار، حسین، (۱۳۸۱)، تأثیر آموزش و پرورش در تحقق جامعه ی مدنی و نظام مردم سالاری دینی، تهران؛ انتشارات پژوهشکده ی تعلیم و تربیت.
- ۷) قائدی، یحیی، (۱۳۸۵)، تربیت شهروند آینده، مجله ی نوآوریهای آموزشی، شماره ی ۱۷
- ۸) فالکس، کیث، (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران؛ انتشارات کویر